

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و هشتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 22 دی 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در جلسات قبل، از نظر قرآن حجیت خبر واحد را به لحاظ کارایی سندی بررسی کرده ایم؛ و ما اصلی را از قرآن استخراج کردیم به نام حرمت متابعت از غیر علم و لزوم متابعت از علم؛ و عرض کردیم که این اصل در اصول و فروع جاری است و همچنین عرض شد ادله ای که موافقین حجیت داشتند مانند آیه نفر، آیه نبا، آیه حرمت کتمان، آیه اذن و... یا این ادله، بی طرف است (یعنی نه از آیات نفی حجیت فهمیده می شود و نه اثبات حجیت) یا از برخی از ادله رد حجیت خبر واحد فهمیده می شود مانند آیه نبا ...

خلاصه جلسات قبل ما این شد که از آیات، حجیت خبر واحد استفاده نمی شود.

روایات حجیت خبر واحد

تبع را طبق روال از مرحوم آخوند شروع می کنیم: کلام مرحوم آخوند: ایشان اخبار و روایات دال بر حجیت را متواتر اجمالی می داند (می دانید که ما یک متواتر لفظی داریم یک متواتر معنوی و یک متواتر اجمالی داریم البته مرحوم میرزا قمی در قوانین تا شش قسم تواتر را رسانده است)

اقسام تواتر

تواتر لفظی: یعنی حدیثی به عین الفاظش بدون کم و کاست به طور متواتر برسد مثل لا عمل الا بالنیة ... یا من کنت مولا فعلی مولا... البته از این قسم ما بسیار کم داریم.

تواتر معنوی: یک مفاد با تعابیر مختلف برسد مثل حدیث ثقلین که از اتفاقات شیعه و سنی است با اینکه الفاظ و تعابیرش مختلف است.

تواتر اجمالی: مثلاً ده خبر در یک راستا داریم با مضامین مختلف، اما می دانیم بین این اخبار یکی از این ها راست است یا مثلاً دو خبر راست است به قول مرحوم آخوند نعلم اجمالاً بصدور بعضها من المعصوم (علیه السلام) گرچه علم به صدق تک تک اخبار نداریم.

مرحوم آخوند معتقد است که اخبار حجیت خبر واحد تواتر اجمالی دارند یعنی حداقل یکی از این اخبار از معصوم (علیه السلام) صادر شده است. البته برخی از این تعریف مرحوم آخوند راضی نیستند و به ذائقشان خوش نیامده است.

طبق قاعده در این موارد باید اخص روایات از جهت مضمون (مثلاً حجیت خبر عادل ثقه) اخذ شود اما مرحوم آخوند می فرماید پس از اینکه روایتی را که مضمون اخص دارد اخذ کردیم میتوانیم دوباره سری در روایات بزنیم و به روایت عادل ثقه برسیم که مفادش حجیت خبر واحد، اعم از عادل ثقه و غیر ثقه است.

استاد: متأسفانه دوستان بحث کفایه در اینجا خیلی ناقص است؛ اولاً: هیچ روایتی را در کفایه نیاورده است اخصها مضموناً را هم مشخص نکرده است. فقط مرحوم آخوند گرا داده است اما هیچ چیز را بیان نکرده است و لذا ناچاریم که به بزرگان بعد مرحوم آخوند مراجعه کنیم.

مرحوم آقای حکیم: ایشان می فرماید بین روایات دال بر اعتبار خبر واحد، اخصها مضموناً خبر عادل می شود و لذا از این روایات آن روایتی که اخص است می گوید خبر عادل امامی پذیرفته است؛ دوباره برمی گردیم و می بینیم کدام خبر است که تمام روایتش عادل هستند و... خوشبختانه در این روایات آن روایتی که روایتش عادل امامی هستند مضمونش دلالت می کند بر حجیت خبر ثقه و لذا از این طریق خیالمان راحت می شود چرا که دیگر مذهب در قبول خبر تأثیری نخواهد داشت.

استاد: مرحوم آخوند نفرمود که اخصها مضموناً کدام است اما مرحوم حکیم بیان میدارد اما باز هم روایاتش را ذکر نمی کند.  
استاد: فقه مرحوم آقای حکیم بسیار منضبط است و لذا کتاب مستمسک بسیار قابل استفاده است.  
استاد: جناب آقای حکیم بین خبر عادل و خبر ثقه، اخصها مضموناً می شود خبر عادل ثقه و بین این دو رابطه عام و خاص من  
وجه است پس شما نفرمایید خبر عادل اخصها مضموناً است یا نگویید خبر ثقه اخصها مضموناً است بلکه حاصل این دو ( خبر عادل ثقه) اخصها مضموناً است.

مرحوم نائینی: می فرماید ما سه قسم تواتر را درک نمی کنیم سپس می فرماید: تواتر لفظی به تواتر گویند که عین الفاظ نقل شده  
است تواتر معنوی تواتری است که با تعابیر مختلف مطلب القا شده است تواتر اجمالی آنجای است که تعابیر متفاوت داریم و  
می دانیم یک روایت لااقل از بین روایات صادر شده است...ایشان خوب اقسام تواتر را توضیح می دهد سپس اشکال می کند و  
می گوید شما که مورد به مورد اشکال دارید و احتمال صدق اخبار را به صورت تکی نمی دهید چگونه یقین دارید به صدور  
برخی از اخبار؟ از چند شک که یقین تولید نمی شود!

اگر بگویید ما از این مجموعه به یک قدر مشترک می رسیم یا به یک جامع در مفاد می رسیم و... خب این همان تواتر معنوی  
است و چیزی غیر از این نیست و لذا ما سه قسم تواتر نداریم بلکه فقط دو قسم تواتر داریم.  
اگر به احترام مرحوم آخوند ما تنزل کنیم و سه قسم تواتر را بپذیریم اخصها مضموناً خبر ثقه (مانند مرحوم حکیم) خواهد بود.  
**و الحمد لله رب العالمین**